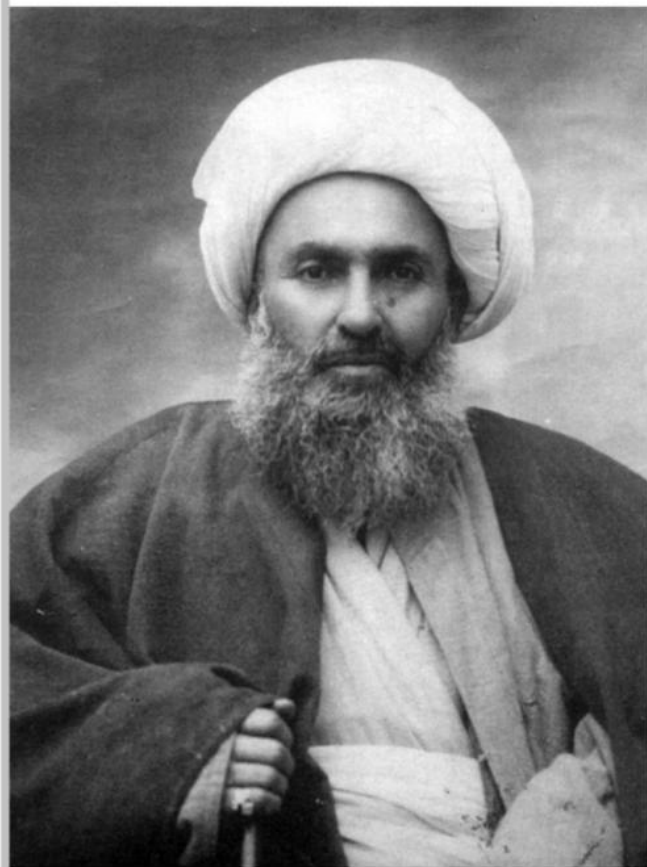




مروری بر زندگی و مبارزات

سید صادق سیدنژاد



بی تردید مطالعه رخدادهای انسان بزرگ و تحلیل و بررسی وقایع مهم گذشته، می تواند در نوع تصمیم گیری و برنامه ریزی های فردی و اجتماعی آینده مفید واقع شود؛ چرا که علی رغم تفاوت های ظاهری و زمانی این پیش آمدها اغلب علل و ریشه های یکسانی هستند. بنابراین، از بررسی و مطالعه علل حوادث تلخ و شیرین گذشته، هم می توان از وقوع بسیاری از پیش آمدهای تلخ آینده جلوگیری به عمل آورد و برای تداوم دست آوردهای سازنده و افتخار و عزت آفرین گذشته، گام های بیش تر و بهتری برداشت. به این مهم دربررسی های تاریخی، به عنوان «چراغ راه»، «معلم»، «سرمشق» آیندگان یاد شده است.

در مجموعه آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت نیز در موارد زیادی ضمن اشاره به اهمیت دقت در علل پیش آمدهای گذشته، به عبرت گیری و درس آموزی از آن تأکید شده است. خداوند تعالی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور

می دهند که به مردم بگو: در روی زمین بگردند و بررسی کنند تا ببینند سرانجام کسانی که پیش از آن ها زندگی می کردند و به خدا شرک می ورزیدند، چه شد! (روم: ۴۲) در آیهای دیگر ضمن سرزنش مردم به خاطر عدم دقت در وقایع گذشته و عبرت آموزی از حوادث می فرماید: «... چرا در زمین نمی گردند تا بنگرند که سرانجام کسانی که که پیش از آنان بودند چگونه بوده است...؟» (یسرف: ۱۱۰-۱۰۹)

در وصیت نامه ای که حضرت علی علیه السلام به فرزند بزرگوارشان امام حسن مجتبی علیه السلام نوشته اند، درباره عبرت آموزی از تاریخ گذشتگان می فرمایند: «فرزندم... دلت را با پند و اندرز زنده کن و... تاریخ سرگذشت در گذشتگان را بر او تذکر بده و آنچه بر سر پیشینیان آمده است، به یادش آر و در دیار و آثار ویران شده آنان گردش کن و در کارهای ایشان اندیشه کن...»^(۱)

رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی رحمه الله نیز همواره به ضرورت عبرت آموزی از تاریخ توجه داشتند و در مناسبت های گوناگون تأکید می فرمودند که: تاریخ باید سرمشق ما باشد.^(۲)

با توجه به آنچه گذشت نیز و با توجه به شباهت های زیاد وقایع دوران مشروطیت، به ویژه رخدادهای زندگی مرحوم آیه الله مجاهد شهید شیخ فضل الله نوری با پیش آمدهای دوران تثبیت و تداوم اهداف انقلاب اسلامی، شایسته است به بهانه نکوداشت سالروز شهادت این رهبر بیدارگر فرزانه، ضمن مروری کوتاه به زندگی و موضع گیری های روشنگرانه آن فقیه شجاع و متعهد و تیزبین بیفکنیم. باشد که تاریخ گذشته و عبرت های آن چراغ راه آینده ما باشد.

الف. زندگانی شیخ فضل الله نوری

شیخ فضل الله نوری در روز دوم ذیحجه سال ۱۲۹۵ هـ ق (۱۲۵۳ ش) در روستای لاشک منطقه کجور مازندران چشم به جهان گشود. وی از همان دوره کودکی به تشویق و ترغیب پدر بزرگوارش ملا عباس کجوری که از روحانیون صالح و مورد اعتماد منطقه مازندران محسوب می شد و دایی دانشمندش مرحوم میرزای حسین نوری مشهور به محدث نوری، به تحصیل علوم اسلامی روی آورد. تحصیلات ابتدایی را در «بلده» (مرکز منطقه نور) آغاز نمود و پس از آن، در تهران پس از پایان دوره سطح، برای تکمیل تحصیلات عالی به نجف اشرف رفت و در حوزه درس استادان بزرگ آن روز نجف، به ویژه آیات عظام میرزا حبیب الله رشتی، شیخ راضی نجفی و شیخ فضل الله مجتهدی و مرجع بزرگ و مجاهد کم نظیر مرحوم میرزای شیرازی شرکت کرد. طولی نکشید که به برکت استعداد فوق العاده و مداومت و پشتکار و تلاش و شایسته، به مرتبه بلند فقاقت و درجه کمال والای اجتهاد نایل آمد. چنان در فضل و دانش شهرت یافت که بعدها علاوه بر دوستان، مخالفان سرسخت او نیز به مراتب به علم او را مورد تأکید قرار دادند.

احمد کسروی در این باره می نویسد: «حاج شیخ فضل الله نوری... از مجتهدان به نام و با شکوه تهران شمرده می شود.»^(۳)

دکتر فریدون آدمیت یکی دیگر از مخالفان شیخ می نویسد: «متفکر مشروطه مشروعه، شیخ فضل الله نوری بود. مجتهد طراز اول، استاد مسلم فن درایه که پایادش را در اجتهاد اسلامی برتر از سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبایی شناخته اند.»^(۴)

موقعیت حساس سیاسی و اجتماعی ایران که در نتیجه ظلم و ستم شاه و درباریان و نقشه های شوم دشمنان بیگانه که قصد سلطه همه جانبه به ایران را در

سر می پروراندند موجب شد که وی با اشاره و رهنمود میرزای شیرازی در ۱۳۰۳ ق (۱۲۶۱ ش) پس از ۲۰ سال اقامت در عتبات به ایران بازگشت. شیخ پس از برگشت به تهران در آغاز به تدریس و تربیت طلاب و اقامه جماعت و ارشاد مردم و تألیف و تدوین کتاب های علمی مشغول شد. طولی نکشید درس شیخ آوازه خاصی پیدا کرد. عالمان و مجتهدان بسیاری در حوزه درس او حاضر شدند که از جمله آنان مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری، مؤسس حوزه علمیه قم و حاج آقا حسین قمی و پدر بزرگوار آیه الله مرعشی نجفی مرحوم آیه الله سید محمود مرعشی و... بودند.

در این ایام علاوه بر تدریس و رسیدگی به امور مردم و پاسخ به سؤالات دینی آنان در فرصت هایی که به دست می آمد، کار تألیف و تصحیح و تحشیه به کتاب های معتبر می پرداخت. از جمله این آثار است:

۱. صحیفه قائمیه ۲. رساله اصولی حاوی تقریر و شرح درس میرزای شیرازی ۳. حاشیه بر مکاسب و فرایند الاصول ۴. حاشیه بر شواهد الربوبیه ملاصدرا ۵. حاشیه بر مستدرک الوسائل ع دیوان اشعار و... در کل مجموعه آثار مرحوم نوری، اعم از تألیف و تصحیح و تحشیه، را بالغ بر بیش از صد جلد کتاب دانسته اند.^(۵)

ب. مبارزات شیخ فضل الله نوری

مبارزات ضد استبدادی و استعماری شیخ پس از بازگشت از عتبات، کم و بیش شروع شده بود. اما در جریان نهضت تنباکو شدت بیش تر پیدا کرد. شاه قاجار و اطرافیان او بدون توجه به گرفتاری های اقشار مختلف مردم از طریق بستن مالیات های سنگین و واگذاری امتیازات گوناگون به بیگانگان مشغول خوش گذرانی بودند. یکی از قراردادهای استعماری که ضربه سنگینی به استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مردم ایران وارد می ساخت، قرارداد «تالبوت» یعنی واگذاری امتیاز انحصاری توتون تنباکو به مدت پنجاه سال به شرکت انگلیسی تالبوت بود. عوارض ناشی از این قرارداد موجب قیام مردم شد که در تهران رهبری این حرکت ضد استعماری را میرزا حسن آشتیانی و شیخ فضل الله نوری به عهده گرفتند. شیخ فضل الله به عنوان نماینده رهبر نهضت تنباکو به خوبی به انجام وظیفه پرداخت و در پیروزی این نهضت، نقش مهمی را ایفا کرد. این اولین میدان مبارزه مهم سیاسی شیخ بود که با سربلندی آن را پشت سر نهاد.

پس از قتل ناصرالدین شاه، وقتی فرزند وی مظفرالدین شاه به سلطنت رسید در نتیجه ساده لوحی و بی تدبیرها و ضعف اراده وی، اوضاع جامعه به سمت نابسامانی رفت. این وضع ملت را بیش از پیش تحت فشار قرار داده بود. مردم، که یک بار طعم پیروزی را در جریان نهضت تنباکو تجربه کرده بودند، درصدد تغییر وضع موجود برآمدند و از طریق تشکیل انجمن های مختلف به تشدید مبارزه پرداختند. رهبران دینی نیز در حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام گرد آمدند و در آن جا خواست های خود را که مهم ترین آن ها، اجرای قوانین اسلامی و ایجاد عدالت خانه بود به اطلاع شاه رساندند. عین الدوله با این خواسته ها مخالفت کرده، به تبعید و زندانی ساختن روحانیون پرداخت. شیخ فضل الله نوری در حمایت از نهضت عدالت خانه به صف مبارزان پیوست و به آن ها گفت: من راضی به بی احترامی به روحانیت و توهین به شریعت نیستم و شما را تنها نمی گذارم، هر اقدامی که انجام دادید، من هم با شما حاضر، ولی باید مقصود اسلام و شرع باشد و طوری رفتار نشود که اسباب توهین به شرع و علما فراهم آید.^(۶)

در ادامه مبارزه علما تصمیم گرفتند تا از تهران



خارج شوند؛ بر این اساس در روز دوشنبه ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۴ هـ ق (۱۲۸۲ ش) کاروان مهاجران تهران را به سوی قم ترک کرد که شیخ شهید نیز با جمعی از اطرافیان خود به این کاروان پیوست. به موازات ادامه تحصن رهبران نهضت عدالت‌خانه در قم، در تهران اولین انحراف در این نهضت با دخالت دشمنان رخ داد. دولت انگلیس، که بزرگ‌ترین قدرت استعماری آن روز محسوب می‌شد، پس از هجرت علما و ترس و نگرانی مردم از عواقب این کار، به وسیله عقالت سعی کرد تا در بین مبارزان جایگاهی برای به اجرا درآوردن نقشه‌های خود باز کند و از دست‌یابی رهبران نهضت عدالت‌خانه به پیروزی جلوگیری به عمل آورد. از این‌رو، به وسیله بسیج فرماسون‌ها و روشنفکران شیفته و معروب غرب و گروهی از مردم ناآگاه و نفوذ در صفوف مبارزان و پخش انواع شایعه، ابتدا زمینه را برای تحصن مردم در سفارت‌خانه خود آماده کرد و بعد از تحقق این هدف، به جای درخواست عدالت‌خانه زمزمه حکومت مشروطه را بر سر زبان‌ها انداخت. ازاین مرحله، نهضت عدالت‌خانه با نام مشروطه و تحت نفوذ انگلستان به پیش می‌رفت. روشنفکران نمایان غرب‌زده و فرماسون‌های وابسته در شمار رهبران اصلی نهضت درآمدند و همان‌طور که ماهیت نهضت تغییر کرد، نام آن نیز تغییر یافت. و نهضت مشروطیت نام گرفت. به موازات طرح چنین خواسته‌ها بود که شیخ فضل‌الله متوجه وقوع انحرافات مهم در روند نهضت شد و از این تاریخ به بعد، به روشن‌گری بیش‌تر و یادآوری آرمان‌های اولیه و اصل انقلاب و افشا اهداف شوم دشمنان می‌پرداخت تا از انحراف نهضت جلوگیری به عمل آورد.

نقل می‌کنند وقتی وی از تحصن عده‌ای روشنفکران و عوامل بیگانه و گروهی از مردم فریب‌خورده و ناآگاه در سفارت انگلستان باخبر شد، خطاب به مردم و هم‌زمان خود گفت: «مشروطه‌ای که از دیگ پلو سفارت انگلیس سر بیرون آورد، به درد ما ایرانی‌ها نمی‌خورد».

بنابراین، شیخ از نخستین عالمان اسلامی بود که در آن دوران به نقشه استعمار در جهت اسلام‌زدایی و جایگزین ساختن حکومت مشروطه، که نسخه‌ای از لیبرال دموکراسی غربی بود، و نیز جایگزین ملی‌گرایی به جای اسلام‌گرایی و ترویج بی‌بند و باری به نام آزادی و دموکراسی و... بی‌برد و لحظه‌ای از مقابله با این جریان شوم باز نایستاد.

این حرکت اسلام‌خواهانه شیخ شهید، از سوی دولت انگلیس و ایادی آن بی‌پاسخ نماند؛ چرا که آنان می‌دانستند در صورت موفقیت شیخ، تمام نقشه‌های شوم آنان با شکست مواجه خواهد شد. بر این اساس، از راه‌های مختلف به منظور ساکت ساختن وی اقدام کردند. از جمله حربه‌هایی که به کار بردن این بود که او را مخالف آزادی و قانون‌مداری و اصلاحات و طرفدار استبداد معرفی کردند تا بدین وسیله، مردم را بر علیه او بشوراندند و پایگاه مهم اجتماعی او را از بین ببرند. اما شیخ علی‌رغم آن، هر روز بخشی از طرفداران خود را در نتیجه تبلیغات دروغین و در عین حال گسترده مخالفانش از دست می‌داد. با این همه دست از مبارزه برنداشت. علی‌رغم این‌که مطبوعات به اصطلاح اصلاح‌طلب آن روز و تربیون‌های عمومی از رساندن سخنان او به گوش مردم خودداری می‌کردند. وی از طریق تحصن و بست نشستن در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی و پخش اعلامیه‌های تحت عنوان «لایحه» به روشن‌گری مردم و افشا توطئه‌ها و نیت پلید دشمنان می‌پرداخت.

برای آشنایی بیش‌تر با موضوع و دیدگاه‌های

روشن‌گراانه این رهبر آگاه و بیدارگر، و نیز تهمت‌ها و تبلیغات دروغین دشمنان وی، برخی از وقایع آن عصر را مورد اشاره قرار می‌دهیم.

الف. شیخ شهید و قانون اساسی

به دنبال صدور فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس شورا در روز یکشنبه هیجدهم شعبان ۱۳۲۴ هـ ق (۱۲۸۲ ش) مجلس افتتاح شد. یکی از مهم‌ترین کارهای مجلس، تدوین قانون اساسی بود. شیخ فضل‌الله خواهان قانونی بود که بر پایه احکام اسلامی باشد. اما روشنفکران غرب‌زده و فرماسون‌ها و سایر عوامل بیگانه، قانونی همانند قوانین کشورهای غربی می‌خواستند. از آن‌جا که اکثر نمایندگان در چپه مخالف با گروه شیخ بودند. در نوشتن قانون اساسی و متمم آن نقش مهمی ایفا می‌کردند. شیخ از راه روشن‌گری و حتی نصیحت و خیرخواهی تلاش کرد که از تصویب قوانین غیراسلامی جلوگیری کند، اما موفق نشد و حتی پیشنهادهای او مبنی بر ذکر مذهب جعفری به عنوان مذهب رسمی کشور و اصل نظارت قضا بر قوانین مجلس شورای ملی با مخالفت روبه‌رو شد. در نتیجه، او به نشان اعتراض مجلس را ترک کرد. مخالفان شیخ در عکس‌العمل به این حرکت این تهمت ناجوانمردانه را به او زدند که چون او ریاستی پیدا نکرده، راه مخالفت را در پیش گرفت. تا از این راه به ریاست برسد. (۷)

ب. شیخ شهید و حکومت مشروطه

مرحوم شیخ فضل‌الله نوری معتقد بودند چون اکثر مردم مسلمان پیرو دین اسلام هستند، باید حکومت آن‌ها چرند به صورت مشروطه باشد، باید از نوع حکومت مشروطه مشروعه باشد، یعنی قانون اساسی و سایر قوانین حقوقی و جزایی آن باید با احکام قوانین اسلامی مطابقت داشته باشد. وقتی مخالفتش به او تهمت مخالفت با مشروطه و طرفداری استبداد شاهنشاهی می‌زدند، او در پاسخ فرمود: من والله با مشروطه مخالفت ندارم، با اشخاص بی‌دین و فرقه‌گمراه و گمراه‌گر مخالفم که می‌خواهند به مذهب اسلام لطمه وارد بیاورند... (۸)

ج. شیخ شهید و مسأله آزادی مطبوعات

شیخ فضل‌الله نوری با توجه به بصیرت و تیزی و درک عمیق خود مراد روشنفکران غرب‌زده از آزادی و مساوات را درک نمود و فهمید که معنای جز لجام‌گسیختگی از آن ندارند. لذا از همان ابتدا کار، با آن نوع آزادی به مخالفت برخاست. همین‌طور مساوات مورد حمله و اعتراض شیخ، مساوات به مفهوم وارداتی و غربی آن بود که در قرن هیجدهم رواج یافته بود و که مشرک و کافر و مسلمان و... را یکسان می‌دانست نه مساوات قضایی اسلامی که یکی از اصول عالی اسلامی است.

با این همه، طولی نکشید که به دنبال مطرح شدن بحث‌های مربوط به آزادی بیان و مطبوعات پیش‌بینی‌های شیخ به حقیقت پیوست.

وی در مقابل توهین به مقدسات دینی و ائمه علیهم‌السلام صریحاً موضع‌گیری کرد و مردم را به مقابله با مطبوعات مدعی آزادی و اصلاح‌طلبی و فرا خواند که در تاریخ ثبت شده است. (۱۰)

د. شیخ فضل‌الله و روشنفکران غرب‌زده

اثر ترفندهای متافقانه‌ای که قشر روشنفکر نمای غرب‌زده در پیش گرفته بود، طولی نکشید که در نتیجه تبلیغات روزافزون و دادن شعارهای به ظاهر زیبا و عامه‌پسند مراکز تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری و پارلمان کشور، به

دست این قشر افتاد. پس از ایجاد مجلس قانون روحانیون در سیاست و تعطیل نمودن قوانین اسلامی پرداختند، کسانی چون مجد الاسلام کرمانی می‌گفت: دخالت روحانیون در مجلس سبب انحطاط آن است. (۱۱)

و حتی طولی نکشید به صورت صریح گفتند که ما مشروعه نمی‌خواهیم. (۱۲)

در مقابل این عده، شیخ فضل‌الله نوری به همراه عده اندکی از علما مقاومت کردند و بر لزوم اضافه شدن قید مشروعه پافشاری نمودند.

هجمه دشمنان و مخالفان شیخ فضل‌الله به این حقیقت اعتراف کردند که شیخ فضل‌الله هدفی جز استقرار احکام اسلام در نظر نداشت. احمد کسروی، که یکی از دشمنان سرسخت اسلام و روحانیت است، در این باره می‌نویسد: حاج شیخ فضل‌الله شریعت را می‌طلبید. وی فریفته شریعت بود و رواج آن را می‌خواست... روی هم رفته به بنیان نهادن یک حکومت شرعی می‌اندیشید. (۱۳)

وقتی استعمارگران این تلاش‌ها و مقاومت‌های شجاعانه شیخ را می‌بینند سخت دچار هراس می‌شوند و می‌کوشند تا به هر طریق ممکن جلو نفوذ او را بگیرند و حتی درصدد می‌آیند حداقل زمینه تبعید او را از تهران فراهم سازند. «سرچورج بارکلی» سفیر انگلیس به وزیر خارجه وقت «سر ادوارد گری» می‌نویسد: «باید توصیه کنیم که شیخ فضل‌الله را از تهران خارج نمایند؛ زیرا اگرچه مقام رسمی ندارد ولی نفوذ بسیار زهرآگینی دارد، امید است انجام این پیشنهاد موجب تأخیر کار نشود. بالاخره در روز سیزدهم رجب سال ۱۳۲۷ هـ ق (۱۲۸۵ ش) شیخ به دست عقاب بیگانه توسط «بیرم خان ارمنی، رئیس نظمیه تهران» به صورت ناجوانمردانه به شهادت رسید.

«سرچورج بارکلی» در ضمن تلگرافی که به وزیر امور خارجه انگلیس می‌فرستد در این باره می‌نویسد: «شیخ فضل‌الله برای مملکت خودخطر بزرگی بود. خوب شد که ایران او را از میان برداشت. (۱۴)

این همه کینه‌توزی بیگانگان و ایادی فرصت‌طلب در داخل، با شیخ جز به خاطر اسلام و پافشاری او به لزوم رعایت قوانین آن نبود.

امید که با عبرت‌آموزی از تاریخ و این‌که تاریخ و گذشته چراغ راه آینده است، امروز که بار دیگر شاهد تکرار همان تاریخ و همان شعارها و همان نشریات به اصطلاح اصلاح‌طلب و همان خودباختگان فرصت‌طلب داخلی معروب غرب هستیم، از گذشته عبرت گرفته و بیش از این شاهد هجمه به مقدسات دین، به پنهان آزادی و... نباشیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱
۲. صحیفه نور، ج ۶، ص ۵۰
۳. تاریخ مشروطه ایران، ص ۵۸۳۱
۴. ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، ج ۱، ص ۲۲۹
۵. شیخ فضل‌الله نوری و مشروطیت، ص ۳۷۴۰
۶. مقدمات مشروطیت، ص ۹۲
۷. مکتوبات و اعلامیه‌ها، ج ۲، ص ۱۴۸
۸. تاریخ پیدایش مشروطیت، ص ۱۳۹
۹. خاطرات و خطرات، ص ۳۵
۱۰. مکتوبات، ج ۴، ص ۱۹۴
۱۱. خاطرات و خطرات، ص ۳۵
۱۲. تاریخ مشروطه ایران، بخش دوم، ص ۲۸۵ و ۲۸۶ و ۳۱۶
۱۳. کتاب آبی، ج ۳، ص ۷۰۰

